

عنوان مقاله:

تعارضات در بنیاد متافیزیکی اخلاق شوپنهاور

محل انتشار:

فصلنامه پژوهشهای فلسفی کلامی، دوره 20، شماره 77 (سال: 1397)

تعداد صفحات اصل مقاله: 18

نویسندگان:

مسعود عسگری - دکتری فلسفه، دانشگاه اصفهان

غلامحسین توکلی - دانشیار فلسفه، دانشگاه اصفهان

خلاصه مقاله:

شوپنهاور با قائل شدن به شفقت به عنوان بنیاد و اساس اخلاق، ما را به طرف همدلی و همدردی برای دیگران ترغیب می کند، اما زمانی که به سمت نظام فلسفی اش می رویم، با تعارضاتی مواجه می شویم که اخلاقش منتفی می شود و شفقت نمی تواند در عمل فرصتی برای عرض اندام پیدا کند. از جمله این تعارضات نفی اختیار در متافیزیک اش، شر بودن اراده، ذاتی و تغییرناپذیری شخصیت (خصلت) و شربودن ذات انسان است. او در متافیزیک اش قائل است که هر چیزی در جهان به مثابه تعیین اراده، ذیل اصل دلیل کافی و زمان و مکان قرار دارد و بالضرورة عینیت می یابد. طبعاً اراده انسان هم به عنوان بنیاد اخلاق می بایست در ذیل اصل دلیل کافی قرار گرفته و بالضرورة عینیت یابد؛ در این صورت، اساساً اخلاق شوپنهاور منتفی است؛ زیرا حوزه اخلاق نیازمند آزادی است و بیرون ماندن از حیطه اصل دلیل کافی. همچنین با قائل به شربودن اراده، ذاتی و تغییرناپذیری شخصیت، شربودن ذات انسان و اخلاق شوپنهاور - دست کم از نوع هنجاری - منتفی است و نمی توان جایگاهی ایجابی در نظام فلسفی اش برای آن متصور بود.

کلمات کلیدی:

اراده، اصل دلیل کافی، آزادی اراده، بدبینی، شخصیت (خصلت)، چهرهشناسی

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/862090>

